

# گزارشی از محفل رونمایی کتاب «اتنوگرافی هزاره‌ها»

اتنوگرافی هزاره‌ها؛ قصه‌هایی دربارهٔ ریشه، اقوام، اوضاع اجتماعی و سرزمین هزاره‌ها



شد و به کشور ایران مهاجرت کرد. هم‌چنان لعلی پیشینهٔ همکاری با حزب وحدت نیز دارد که از بدو تأسیس آن همواره سهم فعالانه داشته است.

«درس‌های اخلاق»، «اثبات علمی یکتایی خدا»، «تئوری رشد مناطق مرکزی»، «سیری در هزاره‌جات»، «ترجمهٔ کتاب راهنمای تاریخی افغانستان» از انگلیسی به فارسی در شش جلد، «سرگذشت هزاره‌ها از زوال ایلخانان تا ظهور طالبان»، «ژئوپلیتیک تسلط» و سرانجام «اتنوگرافی هزاره‌ها» کتاب‌های اندک‌انجیر لعلی تاکنون نوشته و تحقیق کرده است.

اولین سخنران این محفل دین‌محمد جاوید بود که از آقای لعلی به عنوان محقق نامدار و ظریف‌نگر یاد کرد و سخنان خود را معرفی‌گونه پیرامون کتاب «اتنوگرافی هزاره‌ها» شروع کرد و گفت کتاب «اتنوگرافی هزاره‌ها»ی انجیر لعلی در چهار بخش ترتیب و تنظیم شده است. در هر بخش به مسائلی زیادی دربارهٔ وجه تسمیه، ریشه، جغرافیا و قبیله‌های هزاره‌ها مطالبی درخور تأملی نوشته است. جاوید افزود که بیشتر از بیست سال می‌شود که با آثار و نوشته‌های انجیر لعلی آشنا شده است. جاوید از کتاب دیگری لعلی به نام «سیری در تاریخ هزاره‌جات» نیز یاد کرد که قبلاً به چاپ رسیده است.

آقای جاوید نقطه قوت «اتنوگرافی هزاره‌ها» را تثبیت جغرافیای

کتاب «اتنوگرافی هزاره‌ها» یکی دیگر از کتاب‌های تازه منتشر شدهٔ انتشارات بنیاد اندیشه است که روز چهارشنبه تاریخ بیست‌ویک شهریورماه سال ۱۳۹۷ خورشیدی با حضور تعداد زیادی از فرهنگیان، استادان دانشگاه، نویسندگان، شاعران و دانشجویان در کابل رونمایی شد. در این محفل دین‌محمد جاوید، دکتر یونس طغیان ساکایی، دکتر عبدالمجید ناصری داوودی و مهندس علی‌داد لعلی نویسندهٔ کتاب به ترتیب دربارهٔ ویژگی‌های کتاب «اتنوگرافی هزاره‌ها» و نقطه‌قوت‌ها و تا حدودی هم نقطه‌ضعف‌های آن سخنرانی کردند.

در آغاز محفل علی کریمی، گردانندهٔ محفل دربارهٔ زندگی و کارنامهٔ انجیر لعلی داد لعلی اطلاعات داده گفت: «شاید خیلی‌هایی از ما انجیر لعلی داد را با کتاب «ژئوپلیتیک تسلط» وی بشناسیم. لعلی این کتاب را در دو جلد نوشته است و به قول نویسنده جلد سوم آن نیز در راه است. انجیر لعلی متولد عقرب سال ۱۳۳۸ خورشیدی است. همان‌گونه که از تخلص ایشان نیز پیدا است، ایشان از دیار لعل ولایت غور است. در یک خانوادهٔ فرهنگی و مذهبی به دنیا آمد. پدر و پدرکلان ایشان هردو از خطاطان معروف زمان‌شان بودند. مکتب ابتدایی را در السوالی لعل خوانده است و از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۹ در کابل تحصیلش را در رشتهٔ انجیری ادامه داده است.» هم‌چنان به گفتهٔ کریمی در سال ۱۳۵۹ در اثر تحولاتی که در کشور به وجود آمده بودند، لعلی مجبور به ترک تحصیل



بلوچیان است. انجنیر لعلی هم به خاطر این که تیره این قوم را بیشتر در اطراف لوگر سراغ کرده است، پس فکر کرده است که این‌ها باید زمانی لوگری بوده باشد و کم‌کم به لاغری یا لغری تبدیل شده است؛ اما تا آن‌جایی که من می‌دانم لاغری‌ها تقریباً در سراسر افغانستان پراکنده‌اند. این‌ها از پکتیا تا غزنی و از سیستان تا بادغیس وجود دارند. عبدالحی حبیبی استاد سیس خراسانی را که به خونخواهی ابومسلم خراسانی قیام کرده بود، از قوم لاغری می‌داند. سیس کسی است که در برابر خلفای بغداد صف‌آرایی کرد و در جنگی سیصد هزار نفر جمع‌آوری کرد. محمد ابن شداد هم از قوم لاغری است. او در سیستان خروج کرد و نماینده خلیفه بغداد را به نیشاپور به عقب راند. »

دومین تبصره دکتر ساکایی پیرامون وجه تسمیه هزاره بود. ایشان واژه «هزاره، آزره یا ازره» را متضاد واژه «زره» دانسته، معادل‌هایی از متون تاریخی به عنوان شاهد مثال ذکر کرد. ساکایی نظریه‌ای را که هزاره‌ها را باقی‌مانده لشکر هزارنفری چنگیز خان می‌داند، قابل تأمل دانست و گفت امروز آن نظریه چندان اعتباری ندارد. استاد ساکایی گفت: «من قبلاً یک مسأله کوتاهی را مطرح کرده بودم و آن یک نکته جدید درباره کلمه هزاره بود. من فکر کرده بودم که هزاره نام جای است، همان‌گونه که هیوان تسانگ گفته بود که هوساله مرکز این سرزمین است. سرزمینی را که او رفته بود، دیده بود، که آن تطبیق می‌کند با هزاره‌جات کنونی و نوشته بود که مرکز این سرزمین یا پایتخت آن هوساله است. من این را از یک نوشته موسوی برگرفتم. او گفته بود: اگر از یک هزاره‌ای بپرسی که رفتنی هزاره‌جات باشد، کجا میری؟ او می‌گه: آزره موروم. یا اگر بپرسی از کجا آمدی، می‌گه: از آزره آمدم. یعنی آزره نام یک جای است.» به گفته ساکایی این نشان‌دهنده این است که هیوان تسانگ درباره سرزمینی که خود رفته و دیده بود حرف می‌زند نه درباره قوم. ساکایی گفت: «پس از جست‌وجوهایی فهمیده شد که آزره یا هزاره کلمه‌ای در برابر زره است و پیشوند «آ» در آغاز آن یک پیشوند ضدساز است که هرگاه در اول کلمه بیاید، کلمه را به ضد آن تبدیل می‌کند. آزره به معنای جای بلند و زره به معنای جای پست و هامون است. کلمه زرنگ نیز از همین نوع است. آن اصلاً زرننگ است. یعنی حصار زره.» استاد ساکایی نمونه‌های دیگری نیز از این دست واژه‌ها یاد کرد که تعدادی از آن‌ها در شاهنامه فردوسی نیز آمده است، مانند آسیب و سیب، آرمیده و رمیده، سوده و آسوده، آباد، باد، واره و آواره، سایش و آسایش و...»

دکتر ساکایی افزود: «در اوستا یکی از هفت کشوری که آن را خداوند آفریده است، ارزه‌ای است. من تصور کرده‌ام که جای «را» و «ز» در این واژه تبدیل شده است. شاید همان «ازره» باشد.» ساکایی خاطرنشان کرد که نام ازره در جاهای دیگر نیز وجود دارد. به گونه نمونه ازره در ولایت لوگر هست که بازهم جای بلند است.

دکتر ساکایی در ادامه گفت: «شاید ارزگان از بزرگان باشد. ارزگان نام قوم است نه نام جای؛ یعنی ارزگان جای اریزه‌ها است. جای کسانی است که در آن جا زندگی می‌کند. با توجه با این که تاریخ‌نگاران می‌گویند ارزگان منطقه اصلی و قدیمی هزاره‌ها است؛ پس بی‌جا نیست که ما با

هزاره‌ها دانست. به باور وی لعلی در کتابش می‌خواهد جغرافیای هزاره‌ها را با اسناد و مدارک دقیق تثبیت کند: «وقتی این کتاب را بخوانیم، اوج غلیان و شیره این کتاب تثبیت جغرافیای هزاره است.» نکته دیگری که جاوید بر آن تأکید کرد، تثبیت تمدن هزاره‌ها توسط انجنیر لعلی است. به گفته جاوید لعلی با یادکردهای بی‌دری از ساکه‌ها یا ساکایی‌ها همیشه در پی ثابت کردن تمدن هزاره‌ها است. در پی تثبیت جای، شیوه و مسیر زندگی آن‌ها است: «دومین شاهکار این کتاب تثبیت تمدن هزاره‌ها است. این که این تمدن از کجا شروع شده و تا کجاها ادامه یافته است. وقتی ساک‌ها و ساکایی‌ها را مطرح می‌کند، در حقیقت یک فلش‌بک به تاریخی تاریخ می‌زند که خواننده در می‌یابد که این‌ها کی‌ها بودند و در کجاها و چگونه زندگی می‌کردند.» آقای جاوید افزود: «سومین کاری که انجنیر لعلی انجام داده است، معرفی شخصیت‌های بزرگی تاریخی است؛ آن‌هایی که برای جوامع بشری خدمت کرده‌اند و هنوز هیچ کسی آن‌ها را با آن هویت اصلی‌شان معرفی نکرده‌اند و دیگران نیز نشناخته‌اند.»

طغیان ساکایی سخنران دیگر محفل، ضمن صحبت درباره کتاب، تعدادی از تأملات و نظریه‌هایی را که پیرامون وجه تسمیه هزاره‌ها و واژه‌های چون: هزاره یا آزره، لاغری، لرخیان و... داشت، بیان کرد. دکتر ساکایی گفت: «کتاب اتنوگرافی هزاره‌ها در واقع آینه تمام‌نمایی از جامعه هزاره است. بدون شک این کتاب در نوع خود یکی از معدود آثاری است که ما باید به آن ببالیم.»

یکی از واژه‌هایی که پوهاند ساکایی درباره آن تبصره‌هایی داشت، واژه «لاغری» بود. به گفته ایشان انجنیر لعلی پیش روی این واژه در کتاب خود «لوگری» نوشته است. به باور ساکایی لوگری خواندن یا لوگری دانستن لاغری آن قدرها دقیق نیست. ساکایی با یادآوری از سخنان عبدالحی حبیبی گفت: «اولین چیزی را که من بدان مواجه شدم، واژه «لاغری» است که انجنیر لعلی پیش روی آن لوگری گذاشته است. به گمان من این مسأله قابل تأمل و قابل بحث بیشتر نیز است. استاد حبیبی در کتاب خود (افغانستان بعد از اسلام) یکی دو بار با کلمه لغریان یا لاغریان می‌پیچد. استاد حبیبی فکر می‌کند که لغریان یا لاغریان یک قبیله‌ای از بلوچ‌اند. چون حوادث تاریخی درباره لاغریان در سیستان اتفاق افتاده‌اند، حبیبی فکر می‌کرده که سیستان مکان و جایگاه زندگی

می‌کردند و یکی از دوستان ما آن را با رود بلخ تطبیق کردند. اگر آریانا و یجه بلندی‌های پامیر، بلخ یا بامیان باشد، پس دومین کشور که گاوا است، آن باید در کنار رود دایتیا، در کنار رود جیحون یا رود بلخ باشد. این‌جا دریافتیم که از یک کوهستان صحبت می‌شود که ما در بغلان یک سکاکنند داریم، از رودی بحث می‌شود که از میان گاوا گذشته، آن را عرب‌ها ضرغام نامیده‌اند. همان رودی است که یک شاخه آن از بامیان می‌آید و شاخه دیگر آن از اندراب، در منطقه دوشی هردو یک جای می‌شوند و سرزمین‌های قندز و بغلان را آبیاری می‌کند؛ این رود ضرغام است. این رود ضرغام از گاوا گذشته است. پس به نظر من گاوا عبارت است از قندز، بغلان و تخارستان و گاوی منسوب به گاوا است. کسانی که از مردم گاوا هستند.» به گفته دکتر ساکایی تخت کی قباد یا (قبادشاه یا گبادشاه یا گاوپادشاه) نیز در قلعه زال است. قلعه زال تاریخی در حقیقت همان تخت کی قباد است.

دکتر ساکایی در پایان سخنانش از قوم «جوی کنه» و «لاچین» نیز یادآوری کرد: «قوم جوی کنه در نارین است، و نارین یکی از السوالی‌های اندراب است؛ اما در کتاب اتنوگرافی هزاره‌ها «جویکنند» نوشته شده است.» ساکایی افزود: «انجنیر لعلی قبیله «لاچین» را نارین تطبیق کرده است، نارین یکی از السوالی‌های اندراب است. در سرنوشت امیر خسرو دهلوی نیز آمده است که از ترکان هزاره لاچین بود؛ یعنی ترک‌ها همه‌جا را داشته‌اند. در کتاب آمده که هزاره ترکمن، هزاره اوزبیک، هزاره لاچین، هزاره ترک؛ یعنی هر قومی از خود هزاره‌ای داشته‌اند و این قابل بحث است.» دکتر ساکایی به این اشاره کرد که همان‌گونه که هزاره اوزبیک و لاچین... داریم، هزاره تاجیک و پشتوان نیز داریم. مطابق نتیجه‌گیری

این تصورات به یک حقیقت نزدیک شویم، این که ارزگو یا ارزگان جای هزاره‌ها است.»

واژه دیگری که دکتر ساکایی روی آن پیچید و در اتنوگرافی هزاره‌ها نیز روی آن بحث هم می‌شود، واژه لرخاب است. ایشان خاطر نشان کرد که لرخابی‌ها نام قومی از ایماق‌ها است: «فکر می‌کنم لرخابی‌ها یکی از ایماق‌ها است. اگر چهار ایماق وجود داشته باشد، یکی از آن‌ها لرخابی‌ها است.» به گفته دکتر ساکایی لرخابیان مردمان ساده دل‌اند که گاهی به خاطر این ساده‌دلی‌شان مورد تمسخر دیگران واقع می‌شوند. آن‌ها در منطقه بین دوشی و پلخمیری و جاهای دیگر زندگی می‌کنند. به گفته دکتر ساکایی در بعضی کتاب‌های جغرافیایی قدیم؛ مانند «احسن التقسیم» لرخاب یا لخراب یکی از شهرهای بامیان گفته شده است. ایشان با تردید یادآور شد که در «معجم البلدان» نیز چنین چیزی آمده است. این که بامیان چهار شهر دارد و لرخاب یکی از آن‌ها است.

دکتر ساکایی در مورد گاوا و پیشینه آن‌ها نیز مفصل بحث کرد و گفت: «در اویستا و بندهش آمده است که خداوند شانزده کشور آفریده است. اولین کشوری را که معرفی می‌کند، آریانا و یجه است. آریانا و یجه را دانشمندان غربی با خوارزم تطبیق کردند؛ اما در سال‌های آخر تحقیقاتی که انجام شده است، بحث تطبیق خوارزم و آریاناویجه دیگر منتفی است؛ زیرا ثابت کردند که آریاناویجه خوارزم نیست. هم‌چنان گاوا را به خاطر این که دومین کشور است، با خجند تطبیق می‌کردند. به نظر آن‌ها دومین کشور باید در کنار اولین کشور باشد. بر اساس تحقیقات تازه وقتی آریانا و یجه خوارزم نیست، پس گاوا هم خجند نیست. آریانا و یجه در کنار رود دایتیا است و رود دایتیا را گاهی با آمو یا رود جیحون تطبیق





و بدون در نظر داشتن صحت و سقم آن، نقل قول کرده است. ب. تلاش بیش از حد نویسنده در مغولی دانستن هزاره‌ها اشکال دیگری بود که دکتر داوودی بر کتاب لعلی وارد کرد. ایشان افزود پافشاری روی این موضوع اصلاً لازم نیست. همین که نژاد زرد گفته می‌شود، دیگر هم هزاره‌ها را شامل می‌شد و هم مغول‌ها را.

در اخیر انجنیر علی دادلعلی از دست‌اندرکاران بنیاد اندیشه، سخنرانانی که پیرامون کتاب ایشان صحبت کردند و شرکت‌کنندگان محفل سپاس‌گزاری کرد. هم‌چنان انجنیر لعلی از دشواری‌ها و سختی‌های تحقیق‌شان نیز سخن گفت و افزود که بنده «اتنوگرافی هزاره‌ها» را نه از جایگاه یک مورخ، بلکه از جایگاه یک فرد تشنه نوشتن و تحقیق، نوشته‌ام. انجنیر لعلی تعدادی از اشکالاتی وارد بر متن را پذیرفته، گفت که عدم دسترسی به منابع معتبر و نبود کتاب‌خانه مجهز دست و بالش را در امر تحقیق کامل بسته بود. ایشان اظهار امیدواری کرد و افزود که خودم نیز عیبی را در متن دیده‌ام و می‌دانم، این مسئولیت جوانان و قلم‌به‌دستان امروز است که این کار ناتمام را تکمیل کنند. در پایان کتاب «اتنوگرافی هزاره‌ها» از سوی استادان و فرهنگیان رونمایی شد.

اداره مجله



دکتر ساکایی، کسانی که در بلندی زندگی می‌کرده‌اند، به آن‌ها هزاره می‌گفته‌اند یا هزاره گفته شده است.

سومین سخنران محفل دکتر عبدالمجید ناصری بود. ایشان فصل اول کتاب «اتنوگرافی هزاره‌ها» را به خاطر ارزش و اهمیتی خاصی که دارد، «بیت‌الغزل» کتاب دانسته، یادآور شد که آقای لعلی در کتابش نگاه فراملی دارد و در کتاب خود زبانی نرم و خوبی را نیز برگزیده است. هم‌چنان آقای دکتر ناصری داوودی گفت کتاب اتنوگرافی هزاره‌ها سیب نارسیده‌ای است که نیاز به رسیدن و پرورش دادن بیشتری دارد. ایشان افزود: «این کتاب برای خوانندگان و محققان زمینه کار و پژوهش بیشتری را فراهم کرده است.» هم‌چنان ایشان افزود که تکمیل «اتنوگرافی هزاره‌ها» تنها کار یک نفر نبوده، بلکه مستلزم کارهای پروژه‌ای بزرگی است. آقای داوودی محققان و دانشجویان را مسئول تکمیل کردن «اتنوگرافی هزاره‌ها» خواند. دانشجویان در هر سطحی که باشند، می‌توانند از مجموعه مسائلی که لعلی در کتاب خود طرح کرده است و در این جا پربار و کامل نشده‌اند، برگزینند؛ روی آن‌ها تحقیق و پژوهش کنند و به بازار کتاب عرضه کنند. دکتر داوودی اشکالاتی را نیز بر کتاب لعلی وارد کرد که می‌توان آن‌ها را چنین برشمرد:

الف. متن زدگی یا مکتوب زدگی در این کتاب بیشتر مشهود است؛ یعنی نویسنده از هر کتابی که چاپ شده است، بدون کم‌ترین ملاحظه‌ای

